

بررسی تصحیحات فارسی عباس اقبال آشتیانی

♦ دکتر شهرام آزادیان اُستادیار دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش مقاله : ۸۷/۸/۱۶

تاریخ دریافت مقاله : ۸۷/۸/۱

◀ چکیده :

شادروان عباس اقبال آشتیانی (۱۳۱۴ه.ق.-۱۳۳۴ه.ش.) یکی از پیشروان و بزرگان تحقیق در ایران است. آثار او و همدورگانش پایه های تحقیق در ایران هستند و بازخوانی آنها از این جهت اهمیت دارد. این مقاله به بررسی و نقد تصحیحات فارسی عباس اقبال و ارزشگذاری آنها میپردازد.

◀ کلمات کلیدی:

تصحیح، متون، اقبال، تحقیق، نسخه شناسی، نقد

◀ مقدمه :

شادروان عباس اقبال اشتهیانی، (۱۳۱۴.ق-۱۳۳۴.ه.ش) پژوهشگر برجسته ایرانی، در حوزه های مختلفی مانند تاریخ نویسی، اجتماعیات، کتابهای درسی، جغرافیا و تصحیح متون کارکرده و در بسیاری از آنها پیشقدم بوده است. عباس اقبال جزو نسل اول محققین ایران است. کسانی که تحت تاثیر روشهای اروپایی و کارهای مرحوم محمد قزوینی قرار گرفتند و هر کدام سعی کردند به روش خود آن شیوه ها را در ایران پیاده کنند. همه این محققین یکی از وظایف خود را تصحیح و احیای متون قدیم میدانستند و هر کدام هم روش خاص خود را داشتند.

عباس اقبال در این میان وضعیت خاصی داشت. او پیشه ورزاده بود. در خانواده ای فرهنگی به دنیا نیامده بود و با تلاش خود و کمک مرحوم مرتضی نجم آبادی توانسته بود جایی برای خود در پهنه فرهنگی ایران باز کند^۱. از این جهت او با افرادی مانند همایی، نفیسی، قزوینی، بهار، فروزانفر، قریب وامثال آنها تفاوت داشت. اینان در خانواده هایی فرهنگی و در کنار نسخه خطی و کتاب پرورش یافته بودند و تمایلشان به تصحیح متون امری طبیعی بود، ولی اقبال اینگونه نبود و بعد از سفر فرنگ به این مساله علاقه نشان داد. البته در این میان تاثیر فراوان مرحوم قزوینی بر اقبال را هم نمی توان انکار کرد که او را از یک معلم طراز اول به محقق بر جسته تبدیل کرد و در متمایل کردن اقبال به تصحیح هم نقش بزرگی داشت. نکته دیگر بی حوصلگی و حساسیت فراوان اقبال است که نشانه های آن را در زندگی خصوصی و سلوک او هم میتوان دید؛ آفتی بزرگ برای کاری مانند تصحیح که پایه آن بر حوصله در مقابله و سر و کله زدن با نسخه ها و نسخه بدلهاست. در خلال بررسی تصحیحات اقبال میتوان عوارض این دو نکته را به فراوانی مشاهده کرد.



اولین تصحیح اقبال که به چاپ رسید «حدایق السحر فی دقایق الشعر» رشید و طواط است که در سال ۱۳۰۸ ه.ش. در پاریس به پایان رسید و بعد از بازگشت او از فرنگ در ۱۳۰۹ ه.ش. در تهران منتشر شد. با وجود اهداء کتاب به عبدالعظیم خان قریب، اقبال کاملاً از روش قزوینی پیروی میکند و به

۱ - رک: محمود نجم آبادی، «استاد عباس اقبال در مجموعه گفتارهایی درباره پنج تن از رجال ادب و تاریخ ایران».

ثمر رسیدن و انجام آن را از «سعادت محضر حضرت علامه و استاد مخدوم مکرم معظم آقای آقا میرزا محمدخان قزوینی» میداند.^۱ این کتاب بر اساس نسخه مورخ ۶۶۸ ه.ق. کتابخانه ملی پاریس که توسط قزوینی معرفی شده بود به چاپ رسیده و مصحح جز در موارد نقص متن از نسخ دیگر بهره ای نگرفته است و مقدمه و تعلیقات تاریخی مفصل آن بخوبی از ذوق تاریخی اقبال و نفوذ قزوینی حکایت میکند. این کتاب اولین نمونه چاپ تک نسخه ای به صورتی دقیق در ایران است و در زمان خود حادثه ای مهم به شمار می رفت و با وجود اینکه بی عیب نیست و حتی قزوینی هم نقدی خصوصی بر آن نوشته است^۲، هنوز هم متنی معتبر به شمار میرود. این تصحیح ارزشمند نوید بخش ورود مصححی توانا به عرصه تحقیق بود.

اما سه کتابی که اقبال در سال های ۱۳-۱۳۱۲ به چاپ رسانید یعنی بیان الادیان، تبصرة العوام و تجارب السلف نشان از تاثیر منفی حضور در ایران و دوری از قزوینی داشتند. «بیان الادیان» بر اساس چاپ شارل شفر و با ادعای تصحیح اغلاط آن و افزودن مقدمه و تعلیقاتی مختصر به چاپ رسیده است. نقدی که بدون نام نویسنده درباره این کتاب در مجله پیمان به چاپ رسیده (سال ۲، شماره ۴) به خوبی میزان اشتباهات فاحش اقبال را نشان می دهد و حکایت از شتابزدگی او در جمع و تدوین کتاب دارد. (این نقد به احمد کسروی نسبت داده شده و در کاروند هم به چاپ رسیده ولی از او نیست). «تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام» هم همین حال را دارد و از همان تعلیقات مختصر هم خالیست. بایه این چاپ نسخه ای از ۱۰۲۰ ه.ق. و نسخه ای بی سروده متعلق به سعید نفیسی و چاپ سنگی ۱۳۰۹ ه.ق. تهران است و متن به صورتی قیاسی آماده شده است. به قول اقبال: «نگارنده این سطور برای عجله ای که به عللی در کار طبع این کتاب میشد از مراجعه به نسخ عدیده و دادن اختلافات نسخ صرف نظر کرد و به همین علت سرعتی که در طبع میشد متأسفانه نسخه حاضر چنان که منظور بود خالی از اغلاط از چاپ خارج نشد و فرصت برای نوشتن حواشی و پاره ای توضیحاتی که لازم می نمود فراهم نگردید»^۳. این دو کتاب دو خصوصیت مشترک دارند؛ یکی اینکه هر دو نشانه ای از تحقیقات اقبال درباره ملل و نحل و به خصوص درباره تشیع در پاریس هستند، که

۱ - حدایق السحر، ص ج

۲ - تصحیحات حدایق السحر، فرهنگ ایران زمین، ج ۲۰، صص ۳۸-۱

۳ - تبصرة العوام، ص ط

نتیجه آن کتاب خاندان نوبختی است و دیگر اینکه هر دو از محل دویست هزار ریال سود معامله تریاکی که حاج امین التجار اصفهانی برای کارهای عام المنفعه در اختیار سید حسن تقی زاده گذاشته بوده است، به چاپ رسیده‌اند و شاید علت عجله در کار هم همین بوده است.^۱ کتاب دیگر اقبال در سال ۱۳۱۳ش «تجارب السلف» هندوشاه نخبوانی است. این کتاب با استفاده از سه نسخه خطی مغلوط مورخ ۱۲۸۰، ۱۲۹۸، ۱۲۷۷.ه.ق. به صورتی قیاسی و با استفاده از کتب دیگر و اطلاعات شخصی مصحح تصحیح شده است. کتاب از اختلاف نسخ تقریباً خالیست و هیچگونه تعلیقه و فهرستی ندارد البته اقبال در صدد چاپ مفصلی هم بود که موفق نشد. به قول دکتر زرین کوب «تجارب السلف طبع عباس اقبال صورت یک متن مصحح ندارد»^۲ به هر حال هیچکدام از این سه کتاب برگ زرینی به کارنامه مصحح حدایق السحر نمی افزاید. در همین سال به مناسبت هزاره فردوسی کتابفروشی بروخیم تصمیم به چاپ جدیدی از شاهنامه بر اساس چاپ وولرس گرفت و در این کار از محققین معروف آن زمان استفاده کرد. مرحوم اقبال چاپ جلد‌های دوم تا پنجم را بر عهده گرفت و به قول خودش «هیچگونه تصرفی در طبع وولرس نکرده و فقط متصدی تصحیح اوراق نمونه ای مطبوعه بوده ام و اگر مختصر تصرفی شده است در تصحیح بعضی اغلاط طبعی یا پاره ای کلمات بوده است مطابق ضبط های پاورقی صفحات طبع وولرس یا نسخ دیگر.»^۳

از این کتاب تا سال ۱۳۱۸ که دیوان امیر معزی برای اولین بار منتشر شد، اقبال تصحیح فارسی جدیدی ارائه نکرد. کتاب با استفاده از سه نسخه خطی جدید و مغلوط و درهم ریختن اشعار آنها بدون ذکر نسخه بدلها به چاپ رسیده است. به قول اقبال «چون همه نسخه ها جدید و کم و بیش مغلوط بود بسیاری مواضع همچنان مشکوک و مغلوط ماند و نگارنده آنها را به همان حال باقی گذاشت و اجتهاد و ذوق خود را در تصحیح مناط اعتبار قرار نداد»^۴. این کتاب در واقع بخشی از تحقیقات اقبال درباره دوره سلجوقی و وزرای آنست که دیوان امیر معزی ماخذ مهمی برای آن به شمار میرود و مقدمه کتاب از همین جهت مفیدست. مرحوم همایی این دیوان را «سخت مغشوش و مغلوط» دانسته

۱ - اسناد این مبالغ در انتهای جلد نهم مقالات تقی زاده به کوشش استاد ایرج افشار چاپ شده است

۲ - حکایت هم چنان باقی، ص ۲۸۱

۳ - ج ۱. مقدمه

۴ - مقدمه، ص س

است^۱ و روشن است که چنین متنی کاملاً وافی به مقصود نیست ولی چاپ اول دیوان مفصلی مانند امیر معزی هم کار ساده ای نیست.

سال بعد یکی از بهترین تصحیحات اقبال به چاپ رسید؛ «لغت فرس» از اسدی طوسی. این کتاب اولین چاپ لغت فرس در ایرانست و همینطور اولین چاپ دقیق یک متن لغوی. اقبال در این چاپ نسخه مورخ ۱۳۰۳ ه.ق. خود را که از روی نسخه ۷۲۱ ه.ق. نوشته شده بوده اساس قرار داده و با نسخه های ۷۶۶، ۸۷۷ و چاپ پاول هرن- که ماخذ آن نسخه ۷۳۳ است- مقابله کرده و اختلافات را به دقت تمام در حواشی ذکر نموده است. علاوه بر این، اضافات این نسخ بر نسخه اساس را هم در پایان هر باب ذکر کرده است. بسیاری از شواهد که در نسخه اساس نبوده اند از نسخ دیگر نقل شده اند، لغات اعراب گذاری شده و کتاب فهرست الفبایی لغات هم دارد. این کتاب با وجود قدمت هنوز هم به دلیل اشتغال بر لغات فراوان و شواهد آن اعتبار خود را حفظ کرده است. شاید بتوان گفت این کتاب شاهکار تصحیحات عباس اقبال است.

قبل از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش. اقبال دو کتاب مهم به چاپ رسانید. کتاب اول «تاریخ طبرستان» ابن اسفندیار است که تا آن زمان چاپ نشده بود. پایه چاپ بر نسخه مورخ ۹۸۷ ه.ق. است که به نظر اقبال کاملترین نسخه موجود کتاب است. این نسخه با نسخه ۱۰۰۳ ه.ق. مقابله شده و صورتهای صحیح با ذکر اختلافات چاپ شده اند. اقبال در نظر داشت بر جلد دوم کتاب مقدمه و تعلیقات مفصلی بنویسد که گویا آشوب زمانه آن را مانع شد و در صورت فعلی، جلد دوم فهرست هم ندارد. چاپ این کتاب ظاهراً یکی از برکات حضور قزوینی در ایران است که در تصحیح متن هم به اقبال کمکهایی کرده است. دکتر عبدالحسین زرین کوب می گوید: «تاریخ طبرستان.. جز فهرست، تقریباً هیچ مزیت یک تصحیح انتقادی را ندارد.»^۲ ولی باید پذیرفت چاپ متنی مانند تاریخ طبرستان برای بار اول و با نسخه های مغلوپ کار ساده ای نیست و این چاپ با وجود بعضی ایرادات چاپ قابل قبولیست. کتاب دیگر «سیاست نامه» از خواجه نظام الملک است که برای وزارت فرهنگ و استفاده دانش آموزان فراهم شده بود. این کتاب با مقابله نسخه های چایی شارل شفر (۱۳۰۹ ه.ق.)، (۱۳۳۰ ه.ق. بمبئی و چاپ خلخالی (۱۳۱۰ ه.ش.) به صورت قیاسی فراهم شده است و اقبال به دلیل درسی بودن کتاب از

۵ - مختاری نامه، ص ۱۰۷

۱ - حکایت همچنان باقی، ص ۲۸۱

دادن نسخه بدلها خودداری کرده و بعضی از حکایات و جملاتی را هم که رکاکتی داشته یا با ایرانیگری آن زمان نمی ساخته حذف نموده است. ارزش اصلی کتاب در حواشی تاریخی ارزشمند آنست که هنوز هم معتبرند و حتی در چاپ دقیق هیوبرت دارک هم عیناً نقل شده اند.

در آشفته بازار بعد از شهریور ۱۳۲۰، اقبال «کلیات عبید زاکانی» را در ۱۳۲۱ منتشر کرد. این کتاب فقط شامل اشعار جدی عبید است که برای اولین بار منتشر می شد. متن ابتدا با استفاده از دو نسخه ۱۳۰۷ ه.ق. و ۱۳۳۵ ه.ق. چاپ شده و بعد با کمک سه نسخه از جمله نسخه ۹۵۹ ه.ق. تکمیل شده است. کتاب تصحیحی قیاسی است و نسخه بدلها عموماً ذکر نشده اند. به جز انتشار این متن برای اولین بار، ارزش اصلی کتاب در مقدمه آنست که اولین تحقیق دقیق درباره زندگی عبیدست و فصلی که اقبال درباره مطایبات عبید و تکوین این نوع در آن دوره نوشته هم از نظر تحلیل یک تاریخدان جالبست و هم به خوبی آزردهی اقبال را از دوره خود و مشابه دانستن آن را با دوره عبید آشکار می کند.

با نشر مجله یادگار در سال ۱۳۲۲ و بازگشت قزوینی به ایران، اقبال نیروی تازه ای گرفت و انجمنی هم به نام انجمن نشر آثار ایران تاسیس کرد که آثار آن به عنوان نشریات مجله یادگار محسوب می شدند. ولی آن شور قدیم و حوصله برای موشکافی چندان در کار نبود و آثاری که در این مجموعه منتشر شدند اصولاً یا متون متاخری بودند که پیچیدگی فراوان نداشتند و یا متون قدیمی بودند که نشانه های شتابزدگی در چاپ آنها آشکار بود. از جمله این متون «روزنامه میرزامحمد کلانتر فارس در وقایع قسمت های جنوبی ایران بین ۱۱۴۲-۱۱۹۹» است که بر اساس دو نسخه مغلوط ۱۳۲۴ ه.ق. و ۱۲۹۹ ه.ق. به صورت قیاسی و با افزودن تعلیقات و فهارس منتشر شده و معتبر است. ولی «انیس العشاق» شرف الدین رامی که آن هم در ۱۳۲۵ منتشر شده فاقد هرگونه توضیحی درباره نسخ مورد استفاده و هر نوع فهرستی است و فقط گاهی چند نسخه بدل و لغت معنی دارد. این کتاب شایسته نام اقبال نیست. دو سال بعد (۱۳۲۷ ه.ش.) عباس اقبال «تاریخ نو» تألیف جهانگیر میرزا پسر عباس میرزا را که تاریخ سالهای ۱۲۶۷-۱۲۴۰ ه.ق. است به چاپ رسانید. یک سوم ابتدای کتاب بر اساس نسخه های ۱۳۱۸ ه.ق. و ۱۳۱۰ ه.ق. و بقیه کتاب از روی نسخه ۱۲۶۷ ه.ق. که اولین نسخه کتاب بوده است تصحیح شده و قسمتهای محذوف کامل شده اند. متن تصحیح است ولی هیچگونه فهرست و تعلیقه ای ندارد.

در اواخر زندگانی مرحوم قزوینی، مرحوم اقبال با او همکاری فراوانی داشت. قزوینی شغل مشخصی نداشت و برای یادگار مقاله می‌نوشت و گاهی هم کتاب‌هایی برای تصحیح به او رجوع میشد که اقبال در چاپ آنها به او یاری میکرد. از جمله این کتابها «شدالازار» متنی عربی است که کار آن تمام از قزوینی است و اقبال بیشتر مسئول تصحیح نمونه‌های چاپی بوده است. کتاب دیگر «سمط العلی للحضرة العلیا» است. قضیه کتاب اینست که جزو عکسهایی که قزوینی برای وزارت فرهنگ فرستاده بود یکی هم عکس این کتاب از روی نسخه موزه بریتانیا متعلق به قرن نهم بود که قزوینی تصمیم بر چاپ آن داشت ولی وسواس علمی اجازه این کار را به او نمیداد. تا این که عکس نسخه ۷۵۲ ه.ق. به دست می‌آید و او همت بر تصحیح میگمارد اما به خاطر ضعف و بیماری ادامه کار بر عهده اقبال می‌افتد. اقبال متن را تحت نظر قزوینی آماده می‌کند اما عمر قزوینی برای مقدمه و تعلیقات کفاف نمیدهد. متن عموماً بر اساس نسخه ۷۵۲ ه.ق. چاپ شده و گاهی اختلافات نسخه دیگر هم ذکر شده اند. مقدمه و تعلیقات کتاب از اقبال است و ارزشمند، ولی کتاب نشان از قزوینی ندارد.

در همین سال ۱۳۲۸ ه.ش. دو کتاب دیگر هم از اقبال منتشر شدند. «ترجمه محاسن اصفهان» مافروخی از حسین بن ابی‌الرضا آوی بر اساس نسخه ای همدوره مترجم یا احتمالاً نسخه خود او به چاپ رسیده است و طبعاً به دلیل قدمت نسخه، کتاب هم دقیق و قابل اعتماد از کار درآمده است. کتاب دیگر «مجمع التواریخ» محمد خلیل مرعشی صفوی در تاریخ اواخر دوره صفویه است که بر اساس نسخه ای متعلق به آیت الله مرعشی که مرحوم اقبال آن را نسخه اصل مینامد همراه با فهرس و تعلیقات مختصر و مفیدی چاپ شده و معتبر است.

پس از تعطیلی مجله یادگار و فوت مرحوم قزوینی، دست و دل اقبال هم به واقع از کار افتاد و این حالت به خوبی از «عتبه الکتبه» که به نام قزوینی و به کوشش اقبال چاپ شده آشکار است. کتاب عین متن نسخه ۶۷۱ ه.ق. پاریس است همراه با مقدمه قزوینی بر نسخه خطی و هیچ تعلیقه و فهرستی هم ندارد.

در مدتی که اقبال به عنوان وابسته فرهنگی در ترکیه و ایتالیا کار میکرد چند کتاب از او در تهران به چاپ رسید که با وجود دلزدگی اقبال ارزشمندند. اولین کتاب «المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان» از افضل الدین کرمانی است. این کتاب ضمیمه مولف بر کتاب مفقود «بدایع الازمان» است. متن بر اساس تک نسخه ای متعلق به کتابخانه واتیکان که در سال ۷۶۳ ه.ق. نوشته شده تصحیح و چاپ شده است. کتاب حواشی و تعلیقات ارزشمندی دارد و صحت نسخه هم بر متن افزوده است. این کتاب

در سال ۱۳۳۱ ه.ش. چاپ شده است. کتاب دیگر «فضائل الانام من رسائل حجة الاسلام»، شامل مکاتیب فارسی امام محمد غزالی است. اقبال این کتاب را در استانبول بر اساس نسخه ۸۱۸ ه.ق. ایا صوفیه و با مقابله نسخه ۱۲۸۸ ه.ق. تصحیح و گاهی هم اختلافات مهم را در حواشی ذکر کرده است. کتاب تعلیقات مختصری هم دارد و کلاً بهترین چاپ این کتاب است.

در آخرین سال های زندگی مرحوم اقبال و اولین سال های چاپ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دو رساله توسط او تصحیح و در مجله منتشر شد. اولین، «شرح قصیده عینیه ابن سینا» است.^۱ متن بر اساس نسخه ای از قرن هفتم (حداکثر ۷۰۵ ه.ق.) چاپ شده و اقبال سعی فراوان در تصحیح آن کرده است. رساله دیگر "ذیل سیر العباد سنایی" است.^۲ که از مجموعه ای متعلق به دانشگاه استانبول از قرن هشتم نقل شده و منسوب به اوحد الدین طیب رازی است. این دو رساله آخرین تصحیحات شادروان اقبال بودند. (۱۳۳۳ ه.ش)

نتیجه :

در خاتمه میتوان گفت : تصحیحات شادروان اقبال آشتیانی اصولاً بر دو نوعند: نوع اول: آنهایی که به صرافت طبع و نیاز های تحقیقی فراهم شده اند که هم کمترین و هم مانا تر. کتابهایی مانند لغت فرس، حدائق السحر و جز آن.

نوع دوم: آنهایی که نیاز های مالی، الزامات اداری و اجتماعی و امثال آن محرک چاپشان بوده است. این دسته هم بیشترند و هم فراموش شدنی تر و از بسیاری از آنها میتوان بسادگی گذر کرد. ولی باید در نظر داشت که تصحیحات اقبال معیار شناخت او به عنوان یکی از بهترین تاریخ نویسان و محققین ایران نیست و شأن و مرتبه او در تاریخ تحقیقات و فرهنگ ایرانی همواره محفوظ و محترم خواهد بود.

فهرست منابع :

۱. انیس العشاق. شرف الدین رامی . به تصحیح عباس اقبال. تهران. انجمن نشر آثار ایران. ش ۲.

۱ - سال ۱، شماره ۴، صفحات ۲۹-۱۴

۲ - سال ۲، شماره ۳، صفحات ۱۶-۸

۲. بیان الادیان. ابوالمعالی محمدالحسین العلوی. به تصحیح عباس اقبال. تهران. بی نا. ۱۳۱۲.
۳. تاریخ طبرستان. بهاء الدین محمد بن اسفندیار کاتب. به تصحیح عباس اقبال. تهران. خاور. ۱۳۲۰.
۴. تاریخ نو. جهانگیر میرزا. به تصحیح عباس اقبال. تهران. علی اکبر علمی. ۱۳۲۷.
۵. تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام. سیدمرتضی داعی رازی. به تصحیح عباس اقبال. تهران. بی نا. ۱۳۱۳.
۶. تجارب السلف. هندوشاه نخجوانی. به تصحیح عباس اقبال. تهران. بی نا. ۱۳۱۳.
۷. ترجمه محاسن اصفهان. حسین بن محمدآوی. به تصحیح عباس اقبال. تهران. یادگار. ۱۳۲۸.
۸. حدایق السحر فی دقایق الشعر. رشید وطواط. به تصحیح عباس اقبال. تهران. کاوه. ۱۳۱۰.
۹. حکایت همچنان باقی. عبدالحسین زرین کوب. تهران. سخن. ۱۳۷۶.
۱۰. دیوان امیر معزی. به تصحیح عباس اقبال. تهران. اسلامیه. ۱۳۱۸.
۱۱. روزنامه میرزامحمدکلانتر فارس. به تصحیح عباس اقبال. تهران. یادگار. (ش ۲). ۱۳۲۵.
۱۲. سمط العلی للحضرة العلیاء. ناصرالدین منشی کرمانی. به تصحیح عباس اقبال. تهران. یادگار. ۱۳۲۸.
۱۳. سیاست نامه. نظام الملک طوسی. به تصحیح عباس اقبال. تهران. وزارت فرهنگ. ۱۳۲۰.
۱۴. شاهنامه فردوسی. تهران. بروخیم. ۱۴-۱۳۱۳.
۱۵. شدالازار فی حط الاوزار عن زوار المزار. معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی. به تصحیح و تحشیه محمد قزوینی و عباس اقبال. تهران. وزارت فرهنگ. ۱۳۲۸.
۱۶. کلیات عبید زاکانی. به تصحیح عباس اقبال. تهران. ارمغان. ۱۳۲۱.
۱۷. لغت فرس اسدی طوسی. به تصحیح عباس اقبال. تهران. بی نا. ۱۳۱۹.
۱۸. مجمع التواریخ. میرزامحمد خلیل مرعشی صفوی. به تصحیح عباس اقبال. تهران. شرکت سهامی چاپ. ۱۳۲۸.
۱۹. مجموعه گفتارهایی درباره چندتن از رجال ادب و تاریخ ایران. به کوشش قاسم صافی. تهران. انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. ش ۲۲. ۱۳۵۷.
۲۰. مختاری نامه. جلال الدین همایی. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۱.

۲۱. المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان. حمیدالدین احمدین حامد کرمانی. به تصحیح و اهتمام عباس اقبال. تهران. بی نا. ۱۳۳۱.
۲۲. مقالات تقی زاده. حسن تقی زاده. به کوشش ایرج افشار. تهران. سازمان کتاب های جیبی. ۵۷-۱۳۴۹.
۲۳. مکاتیب فارسی غزالی به نام فضائل الانام من رسائل حجة الاسلام. به تصحیح و اهتمام عباس اقبال. تهران. ابن سینا. ۱۳۳۳.